

پاسخ به خوانش ابوزید از آیه سوم سوره نساء

حرف‌های کهنه در لباس نو



نیارده است، به شبهه‌ای که این ابی العوجاء پیرامون این آیه شریفه از هشام بن حکم می‌پرسد، اشاره می‌شود. به‌ویژه که شبهه این ابی‌ابی العوجاء از هشام بن حکم دارد. هشام بن حکم پاسخ مساله را از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسد و آن حضرت به روشنی توضیح می‌دهد:

نوح بن شعیب و محمد بن حسن گویند: این ابی العوجاء از هشام بن حکم پرسید: «مگر خداوند حکیم نیست؟» گفت: «آری، او حکیم‌ترین حکیمان است.» گفت: «پس به من بگو این آیه که خداوند تعالی در آن می‌فرماید: فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ ۚ مَثْنَىٰ وَ ثَلَاثَ وَ رِبَاعًا فَإِنْ حَفَّتُمْ الَّا تُعَدِّلُوا فَإِنَّ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَذْنَىٰ الَّا تُؤْتُوا؛ اگر می‌ترسید که [به‌هنگام ازدواج با دختران یتیم]، عدالت را رعایت نکنید، [از ازدواج با آنان، چشم‌پوشی کنید و] با زنان [پاک] مورد علاقه خود ازدواج کنید، دو یا سه یا چهار همسر؛ و اگر می‌ترسید عدالت را [در باره همسران متعدد] رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید یا از زنانی که مالک آنها هستید، استفاده کنید. این کار، به ترک ظلم و ستم نزدیک‌تر است. (نساء: ۳)

در یادداشتی با عنوان «کدام زمان» درباره خوانش حامد ابوزید از آیه شریفه تعدد زوجات (نساء: ۳) چنین آمده است:

ایمان آوردن از چنین کاری نگران بودند. دستور آمد که اگر نگران عدالت ورزیدن با دختران یتیم تحت سرپرستی خود هستید، با زنان دیگر ازدواج کنید و البته این ازدواج محدود به چهار زن است و نه بیشتر. بر این اساس، اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال؛ وقتی احتمال دیگری در این میان باشد، گفته ابوزید باطل می‌شود و لاقلاً از قوت می‌افتند. باید ابوزید این احتمال را رد کند تا روایتش درست تلقی شود. لکن از آنجا که این احتمال هم موید درونی متنی دارد (دختران یتیم) و هم موید بیرون متنی (فرهنگ تعدد زوجات) و هم روایات ماثوره در تفسیر این آیه وجود دارد، می‌توان گفت که گفته ابوزید باطل است.

۴. گویا ابوزید تلاش دارد تاریخی بودن این آیه شریفه را اثبات کند. حال آنکه تنها آیات منسوخه تاریخی هستند. احکامی که نسخ نشده باشند حتی اگر هم موسمی باشند، تاریخی نیستند بلکه اگر شرایط موسمی تکرار شود، می‌توان به آن حکم عمل کرد. چنین استنباطی را در اصطلاح فقهی تنقیح مناط می‌گویند. از این آیه شریفه می‌توان مناط تقسیر در تزویج را استنباط کرده؛ یعنی ملاک در جواز ازدواج تا چهار زن یا ازدواج با دختران یتیم تحت سرپرستی، توانایی در عدالت‌ورزی است و چون چنین عدالتی مقدر همه مردان نیست، بهتر است به یک زن اکتفا شود. بنابراین، این آیه شریفه تاریخی نیست و در موقعیت‌های دیگر با شرایط مشابه اجرایی است.

۵. اما اینکه ابوزید می‌گوید هیچ مردی نمی‌تواند عدالت‌ورزی است و چون چنین عدالتی مقدر همه مردان نیست، بهتر است به یک زن اکتفا شود. بنابراین، این آیه شریفه تاریخی نیست و در موقعیت‌های دیگر با شرایط مشابه اجرایی است.

۶. اما در باره مطلبی که از ابوزید نقل شده است، از جهات مختلف قابل نقد است. نخست آنکه این سخن مبتنی بر حدس و گمانی است که به ذهن ابوزید رسیده است و هیچ اکتفائی بر آن نیست. باید به شأن نزول آیه شریفه رجوع کرد تا معلوم شود آیا به گفته ابوزید، این آیه شریفه مربوط به زنان مهاجر همسر از دست داده (بیوه) است یا اصلاً شأن نزول دیگری دارد. آنچه مسلم است، کتب شأن نزول نویسان گفته یا تفسیر ابوزید را تأیید نمی‌کند. اگر ابوزید مودبی از این کتب می‌داشت، به آن ارجاع می‌داد. لذا سخن وی، تفسیر به‌رائی است.

۳. تردیدی نیست که پاره‌ای از احکام شرع موسمی است و باید با ملاحظه آن موسم به تفسیر آیه توجه کرد. همانطور که گفته شد ابوزید از روی حدس و گمانی که دلیل آن نامعلوم است، این آیه شریفه را به شرایط زنان مهاجر نسبت داده است. لکن احتمال دیگری هم می‌توان داد که اساسا فرهنگ تعدد زوجات در میان عرب جاهلی رواج داشته است. هر که مال بیشتری داشت، زنان بیشتری را به عقد خود در می‌آورد. لکن از عهده مخارج آنها بر نمی‌آمد و در نتیجه بی‌عدالتی می‌کردند. از این‌رو، قرآن کریم فرهنگ تعدد زوجات را محدود به چهار همسر کرده است و البته می‌فرماید چون قادر به رعایت عدالت نیستید به همان یک همسر بسنده کنید. بنابراین، آیه شریفه ناظر به زنان مهاجر نیست. خصوصاً که در ابتدای آیه شریفه اشاره به ازدواج با دختران یتیم دارد و این هیچ ربطی به زنان مهاجر همسر از دست داده ندارد. جالب است که ابوزید می‌گوید کودکان زنان مهاجر با این مساله مواجه بودند. در حالی که اگر مشکلی باشد برای زنان مهاجر است و نه دختران یتیم. بلکه می‌توان گفت برخی مردان برای سودجویی و طفره رفتن از تأمین مخارج همسران، دختران یتیمی را که سرپرستی آنان را برعهده داشتند به همسری برمی‌گزیدند تا از اموال آنان به‌نفع خود استفاده کنند. لکن پس از



داود مهدوی زادگان

دانشیار و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وَأِنْ حَفَّتُمْ الَّا تُقْسِمُوا فِی الْبیتَامِی فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَ ثَلَاثَ وَ رِبَاعًا فَإِنْ حَفَّتُمْ الَّا تُعَدِّلُوا فِیَ اَوْجِدْهُ اَوْ مَا مَلَكَتْ اَیْمَانُكُمْ ذَلِكَ اَذْنَىٰ الَّا تُؤْتُوا؛ اگر می‌ترسید که [به‌هنگام ازدواج با دختران یتیم]، عدالت را رعایت نکنید، [از ازدواج با آنان، چشم‌پوشی کنید و] با زنان [پاک] مورد علاقه خود ازدواج کنید، دو یا سه یا چهار همسر؛ و اگر می‌ترسید عدالت را [در باره همسران متعدد] رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید یا از زنانی که مالک آنها هستید، استفاده کنید. این کار، به ترک ظلم و ستم نزدیک‌تر است. (نساء: ۳)

در یادداشتی با عنوان «کدام زمان» درباره خوانش حامد ابوزید از آیه شریفه تعدد زوجات (نساء: ۳) چنین آمده است:

ایمان آوردن از چنین کاری نگران بودند. دستور آمد که اگر نگران عدالت ورزیدن با دختران یتیم تحت سرپرستی خود هستید، با زنان دیگر ازدواج کنید و البته این ازدواج محدود به چهار زن است و نه بیشتر. بر این اساس، اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال؛ وقتی احتمال دیگری در این میان باشد، گفته ابوزید باطل می‌شود و لاقلاً از قوت می‌افتند. باید ابوزید این احتمال را رد کند تا روایتش درست تلقی شود. لکن از آنجا که این احتمال هم موید درونی متنی دارد (دختران یتیم) و هم موید بیرون متنی (فرهنگ تعدد زوجات) و هم روایات ماثوره در تفسیر این آیه وجود دارد، می‌توان گفت که گفته ابوزید باطل است.

۴. گویا ابوزید تلاش دارد تاریخی بودن این آیه شریفه را اثبات کند. حال آنکه تنها آیات منسوخه تاریخی هستند. احکامی که نسخ نشده باشند حتی اگر هم موسمی باشند، تاریخی نیستند بلکه اگر شرایط موسمی تکرار شود، می‌توان به آن حکم عمل کرد. چنین استنباطی را در اصطلاح فقهی تنقیح مناط می‌گویند. از این آیه شریفه می‌توان مناط تقسیر در تزویج را استنباط کرده؛ یعنی ملاک در جواز ازدواج تا چهار زن یا ازدواج با دختران یتیم تحت سرپرستی، توانایی در عدالت‌ورزی است و چون چنین عدالتی مقدر همه مردان نیست، بهتر است به یک زن اکتفا شود. بنابراین، این آیه شریفه تاریخی نیست و در موقعیت‌های دیگر با شرایط مشابه اجرایی است.

۵. اما اینکه ابوزید می‌گوید هیچ مردی نمی‌تواند عدالت‌ورزی است و چون چنین عدالتی مقدر همه مردان نیست، بهتر است به یک زن اکتفا شود. بنابراین، این آیه شریفه تاریخی نیست و در موقعیت‌های دیگر با شرایط مشابه اجرایی است.

۶. اما در باره مطلبی که از ابوزید نقل شده است، از جهات مختلف قابل نقد است. نخست آنکه این سخن مبتنی بر حدس و گمانی است که به ذهن ابوزید رسیده است و هیچ اکتفائی بر آن نیست. باید به شأن نزول آیه شریفه رجوع کرد تا معلوم شود آیا به گفته ابوزید، این آیه شریفه مربوط به زنان مهاجر همسر از دست داده (بیوه) است یا اصلاً شأن نزول دیگری دارد. آنچه مسلم است، کتب شأن نزول نویسان گفته یا تفسیر ابوزید را تأیید نمی‌کند. اگر ابوزید مودبی از این کتب می‌داشت، به آن ارجاع می‌داد. لذا سخن وی، تفسیر به‌رائی است.

۳. تردیدی نیست که پاره‌ای از احکام شرع موسمی است و باید با ملاحظه آن موسم به تفسیر آیه توجه کرد. همانطور که گفته شد ابوزید از روی حدس و گمانی که دلیل آن نامعلوم است، این آیه شریفه را به شرایط زنان مهاجر نسبت داده است. لکن احتمال دیگری هم می‌توان داد که اساسا فرهنگ تعدد زوجات در میان عرب جاهلی رواج داشته است. هر که مال بیشتری داشت، زنان بیشتری را به عقد خود در می‌آورد. لکن از عهده مخارج آنها بر نمی‌آمد و در نتیجه بی‌عدالتی می‌کردند. از این‌رو، قرآن کریم فرهنگ تعدد زوجات را محدود به چهار همسر کرده است و البته می‌فرماید چون قادر به رعایت عدالت نیستید به همان یک همسر بسنده کنید. بنابراین، آیه شریفه ناظر به زنان مهاجر نیست. خصوصاً که در ابتدای آیه شریفه اشاره به ازدواج با دختران یتیم دارد و این هیچ ربطی به زنان مهاجر همسر از دست داده ندارد. جالب است که ابوزید می‌گوید کودکان زنان مهاجر با این مساله مواجه بودند. در حالی که اگر مشکلی باشد برای زنان مهاجر است و نه دختران یتیم. بلکه می‌توان گفت برخی مردان برای سودجویی و طفره رفتن از تأمین مخارج همسران، دختران یتیمی را که سرپرستی آنان را برعهده داشتند به همسری برمی‌گزیدند تا از اموال آنان به‌نفع خود استفاده کنند. لکن پس از

مهدی گلشنی در گفت‌وگو با فرهیختگان،

جایگاه دین در عرصه جهانی روبه‌رشد است

به بهانه انتشار رابطه علم و دین از منظر چهار حکیم مسلمان معاصر



کتاب رابطه علم و دین از منظر چهار حکیم مسلمان معاصر که پاسخ به هشت سوال در خصوص رابطه علم و دین است و از سوی دکتر مهدی گلشنی طراحی و توسط آیات علامه جوادی آملی، علامه حسن زاده آملی، علامه سبحانی و علامه مصباح‌زیدی پاسخ داده شده، توسط انتشارات حکمت اسلامی منتشر شد. آیین رونمایی از کتاب رابطه علم و دین از منظر چهار حکیم مسلمان معاصر نیز ۲۳ بهمن‌ماه به‌صورت مجازی و با سخنرانی دکتر مهدی گلشنی و آیت‌الله غلامرضا فیاضی، رئیس هیات‌مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی برگزار شد. در گفت‌وگو و مکتوب پیش‌رو با مهدی گلشنی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و استاد بازنشسته فلسفه علم و فیزیک دانشگاه صنعتی شریف به هدف تهیه این کتاب و نوع پاسخ‌ها و اختلافات و شباهت‌های اندیشه این چهار حکیم مسلمان معاصر پرداخته شده است.

دین مطرح نبود، بلکه حتی فلسفه هم مطرح نبود، بلکه یک تفکر سکولار حاکم بود اما از دهه ۱۳۷۰ به بعد وضعیت تغییر کرد و اگرچه تفکر سکولار همچنان حاکم بود، ولی بعضی سرآمدان علم و فلسفه تمایل خود را به دین علنی کردند و کنفرانس‌های مهمی در اروپا و آمریکا برگزار شد که در آن بعضی سرآمدان علم و فلسفه و کشیشان شرکت می‌کردند.

من هم از دهه ۱۳۷۰ در بسیاری از این کنفرانس‌ها شرکت کردم، از جمله در کنفرانس‌های انجمن اروپایی علم و الهیات که هر دو سال یک‌بار در یکی از شهرهای اروپا برگزار می‌شد. در این کنفرانس‌ها من شاهد بحث‌هایی بسیار مفید بودم و اشتراک سه دین ابراهیمی (اسلام، مسیحیت و یهودیت) را به‌وضوح در جهان‌بینی الهی دیدم و لذا حدود بیست سال پیش به فکر این اقدام که چند سوال را از تعدادی از عالمان و فیلسوفان برجسته جهان اسلام و جهان غرب پرسیم. در ابتدا چهل نفر به هشت سوالی که طرح کرده بودم، پاسخ دادند که از ایران علامه حسن زاده آملی و جناب آقای دکتر رضا دوری اردکانی جزء پاسخ‌دهندگان بودند. این کتاب توسط همسرم، سرکار خانم بتول نجفی، به فارسی ترجمه شد و توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تحت عنوان «آیا علم می‌تواند دین را نادیده بگیرد؟» به چاپ رسید. در سه چاپ بعدی تعداد پاسخ‌دهندگان به ۷۰ نفر افزایش یافت.

امسال به فکر این اقدام که این سوالات را از تعدادی دیگر از صاحب‌نظران شاخص جهان اسلام و غرب پرسیم. بدین ترتیب تعداد پاسخ‌دهندگان، برای چاپ پنجم کتاب به ۸۱ نفر رسید، از جمله از ایران حضرات علامه جوادی آملی، علامه سبحانی و علامه مصباح‌زیدی (مدظلم العالی) بودند. چاپ بعدی این کتاب مثل چاپ‌های قبلی هم به زبان انگلیسی خواهد بود و هم به زبان فارسی، ولی در بحثی که با جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر حمید پارسانیا داشتیم، تصمیم بر این گرفتیم که پاسخ‌های حضرات علامه جوادی آملی، علامه حسن زاده آملی، علامه سبحانی و علامه مصباح‌زیدی را به‌صورت یک کتاب جداگانه تحت‌عنوان علم و دین از منظر چهار حکیم مسلمان معاصر چاپ کنیم.

با فوت علامه مصباح‌زیدی (ره) تصمیم گرفتیم که چاپ کتاب را مصادف با چهلم درگذشت این علامه بزرگوار منتشر کنیم. در این راستا عنایت جناب آقای دکتر پارسانیا در مذهب ساختن کتاب و جلب رضایت مجمع عالی حکمت اسلامی برای چاپ آن بسیار موثر بود، لذا از جناب استاد دکتر پارسانیا و مجمع عالی حکمت اسلامی، خصوصاً حضرت آیت‌الله فیاضی (دامت افاضاته)، ریاست محترم هیات‌مدیره مجمع و جناب آقای محمد باقر خراسانی، مدیر اجرایی مجمع، به‌خاطر استقبال از چاپ کتاب و فراهم ساختن سریع امکان چاپ آن نهایت امتنان را دارم. از جناب آقای دکتر محمد فنیایی اشکوری هم که بیوگرافی مختصر این چهار علامه جلیل‌القدر را برای این کتاب تهیه نمودند، بسیار متشکرم.

اختلاف و شباهت‌های فکری استایدی که به سوالات پاسخ دادند، چه بود؟
پاسخ‌های این استاید عظام همگی مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی است و من اختلاف اساسی بین آنها نیافتم. تنها تفاوت آنها در نحوه عرضه مطالب و تأکیدات است.

پاسخ‌ها چه نتایجی داشتند، چه راهی را گشودند و چقدر کاربردی‌اند؟
پاسخ‌ها همگی مبتنی بر نظر اسلام در مورد اهمیت معرفت جهان خلقت و نقشی که علم باید برای انسان‌ها و زندگی آنها ایفا کند، است. در زمان حاضر علم بیشتر نقش تأمین شغل برای جویندگان آن را ایفا می‌کند. تنها افراد دارای جهان‌بینی جامع‌نگر هستند که برای آنها فهم جهان طبیعت و یا کشف عظمت خلقت مطرح است. نظر این چهار علامه بزرگوار بیشتر جلب‌توجه علم‌جویان به برداشت اسلامی از اهمیت مطالعه طبیعت و جست‌وجوی علم نافع بوده است.

اگر بخوایم مقایسه‌ای بین شما به‌عنوان یک نظریه‌پرداز علم دینی با پاسخ‌های این حکما داشته باشیم، پاسخ آنها از نظر شما با اندیشه خودتان چه شباهت و اختلافی دارد؟
اینجانب برداشتم از دلایل تأکید بر جست‌وجوی علم در اسلام با این حکیمان عالیقدر یکی است. تنها تفاوت در این است که بنده در محیط‌مان با مسائل ملموس روز و چالش‌ها و شباهت‌ها ضد دین مطرح در دانشگاه‌ها مستقیماً روبرو هستم و از طرف دیگر تحولات رخ داده در غرب بین سرآمدان علم مومن را به عینه مشاهده کرده‌ام و تلاش آنها برای دفع شبهات را ملاحظه نموده‌ام، لذا تأکیداتم بیشتر بر لزوم اقدامات عملی همراه با روشنگری‌های نظری بوده است، ولی هیچ اختلاف نظری با این حکمای بزرگوار عالیقدر در مورد پاسخ به سوالات مطرح شده ندارم.

با اندیشمندان خارج از کشور چه شباهت‌ها و اختلاف‌هایی دارند؟
من با نظر بعضی پاسخ‌دهندگان غربی (نظیر چارلز تاووز، فیزیکدان برنده جایزه نوبل در فیزیک و راجر تریگ، فیلسوف عالی‌مقام انگلیسی)، در مورد مسائل بین علم و دین، کاملاً هم‌عقیده هستم و جهان‌بینی حاکم بر ذهن آنها را متفاوت با جهان‌بینی اسلامی نمی‌بینم. پاسخ اکثریت جواب‌دهندگان به سوالات مطرح شده را هم سازگار با جهان‌بینی اسلامی می‌دانم.

